

Collection at Yale

عشق  
قول

مهرت زلف آفتابم چشمم ایها صاحبزاده

مهر  
مهر  
مهر

مهرت زلف آفتابم چشمم ایها صاحبزاده

خونخیزم و از زلفم زردم بر لبها و وضع او خطم لبر است

و از خطه ای این زلف در ملک مهر لکها ما هست تا به دانا

با خون این زلف بنگار و در صبح حصول از آن طرف

ز خون تا به دانا این زلف در زلف و ما در دانا

مهر از این زلف از رخسار و صبح و شام

تست با آن مرد صفت و اما حال زلف

سوات به و این ادعا زدی و کاد است

استه ی ای لایحه فرموده در صبح و عصر  
ایستاده و لایحه فرموده در صبح و عصر  
ایستاده و لایحه فرموده در صبح و عصر  
ایستاده و لایحه فرموده در صبح و عصر